



شهرک تلویزیونی و سینمایی ایران که بیشتر مخاطبان با عنوان شهرک غزالی به یادش می‌آورند، سسابقه‌ای طولانی در عرصه تولیدات نمایشی دارد و امروز شاهد تحولات چشمگیری است. معماری‌های ماندگار این شهرک که برخی از آن‌ها ده‌ها سال قدمت دارند، در کنار سازه‌های نوین، فضایی پویا و چندوجهی را برای فیلم‌سازان و برنامه‌سازان فراهم کرده‌است. لوکیشن لاله‌زار که زمانی تنها سازه خاطر‌انگیز بود، اکنون در آستانه تبدیل شدن به یک سازه ماندگار و قابل بازسازی است. چشم‌انداز شهرک تلویزیونی و سینمایی ایران برای یک دهه آینده، تبدیل شدن به شهر رسانه‌ای (مدیاستیتی) جامع است. این مجموعه با قابلیت میزبانی از تولیدات مشترک با کشورهای همسایه و نمایش لوکیشن‌های مرتبط با ایران باستان، ظرفیت بالایی برای درآمدزایی و تبادل فرهنگی دارد.

با رفع محدودیت‌های فصلی و اتمام کارهای عمرانی، شهرک بار دیگر میزبان علاقه‌مندان به بازدید و گردشگری خواهد بود و فصل جدیدی از فعالیت‌های فرهنگی و هنری را آغاز خواهد کرد. مهدی میرچی، مدیر شهرک تلویزیونی و سینمایی ایران، از گروه‌های تولید فیلم و سریال، آخرین وضعیت مرمت سازه‌ها و توسعه شهرک نکاتی را شرح داده است.

اکنون چه برنامه‌های تلویزیونی مشغول ضبط در شهرک هستند؟
هم‌اکنون برنامه «از مامان بگو» که از شبکه دو سیمیا روی آنتن می‌رود، در شهرک تلویزیونی و سینمایی ایران ضبط می‌شود. «بدی نو» نیز از برنامه‌های شبکه نسیم است که به موضوعات کتاب می‌پردازد و در شهرک ضبط می‌شود. یکی از تولیدات مرکز بسیج با عنوان «کوهپایه» هم که در مرحله پیش‌تولید قرار دارد در شهرک ضبط می‌شود و قرار است از شبکه یک سیمیا روانه آنتن شود. برنامه‌های «هنم بچه مسلمان» از شبکه قرآن و «زمایشگاه نوید» از شبکه آموزش هم در شهرک تلویزیونی و سینمایی ایران مراحل تولیدشان را پشت سر می‌گذارند. برنامه تریبکی «سندباد» هم در حال آماده‌سازی طراحی صحنه در شهرک است و شبکه چهار میزبان بخش آن خواهد شد و برنامه پر مخاطب «فرمان آهین» نیز در شهرک ساخته و از آنتن شبکه سه سیمیا مهمان خانه مردم شده است.

شهرک در این روزها از تهیه و ضبط کدام مجموعه‌های تلویزیونی میزبانی می‌کند؟
سریال «حکایت‌های کمال» آخرین کاری بود که اینجا ضبط شد. پیش‌تولید سریال «شیرعلی مردان خان» نیز در شهرک تلویزیونی و سینمایی ایران ادامه دارد. اخیراً مجموعه تلویزیونی «همان‌کشی» کارش را در ایسن محل به پایان رساند و سریال «کارگاه علوی» در مرحله پیش‌تولید قرار دارد و در شهرک تولیدش را آغاز خواهد کرد. مجموعه «مسلمان فارسی» همچنان برای ادامه تولید فصل ایران باستان در شهرک تصویربرداری می‌شود. تاکنون

کاروانسرای مرمر، آتشکده مارپین، پادگان جی، شهر سمرقند، محله فقیرنشین شهر و مجموعه کاخ‌های تیسفون و خانه پدشخان، تماشاخانه باربد، صنعت رنگرزی در ایران ازجمله لوکیشن‌های ساخته‌شده در شهرک است. قرار است بخش‌های جدیدتری هم در آینده به مجموعه لوکیشن‌های فصل ایران باستان اضافه شود. طی سه تا چهار سال اخیر، لوکیشن خانه عماد و طویی در سریال «طویی» به عنوان سازه‌های گذشته لوکیشن‌ها را به‌صورت چندوجهی در نظر گرفته‌ایم و از هر وجه آن می‌توان استفاده کرد. این معماری‌های ماندگار، شناسنامه دارند و بیش از چند دهه می‌توان از آن‌ها استفاده کرد. زمانی که مرحوم علی حاتمی لوکیشن لاله‌زار را در شهرک ساخت، این سازه برای حدود هفت سال ساخته شده بود و خاصیت دکوراتیو داشت؛ البته نگهداری از سازه‌ها دکور واقعا سخت است. از این‌رو توجه به دکور و سازه‌های ماندگار در شهرک، یکی از تحولات سازنده در این دوره محسوب می‌شود.

چه میزان از سازه‌های شهرک مانده و مهندسی‌ساز هستند و آیا این شیوه ساخت دکورها قرار است تبدیل به روش همیشگی شهرک شود؟
اکنون فقط لوکیشن لاله‌زار در شهرک تلویزیونی و سینمایی ایران ماندگار نیست. البته در همین لوکیشن نیز بخش‌هایی وجود دارد که سازه‌هایی ماندگار محسوب می‌شوند، مانند میدان منبریه که قابل بازسازی است. در صورتی که امکانات بازسازی لاله‌زار فراهم شود، می‌توان سازه‌های آن را به دکورهای ماندگار تبدیل کرد.

شهرک تلویزیونی و سینمایی ایران به جز خدمات لوکیشنی چه خدمات دیگری به

گفت‌وگو با مهدی میرچی مدیر شهرک سینمایی



بسیار تجهیز شده‌اند. از سویی دیگر در سال‌های گذشته، رؤسای سازمان صداوسیما شاید یکبار در سال به شهرک می‌آمدند، اما در این دوره، دکتر جبلی فقط از سال گذشته تاکنون بیش از ۱۰ بار به شهرک آمده و از تولیدات گوناگون بازدید کرده است. همین بازدیدهای مرتب، ارزش افزوده‌ای به شهرک اعطا کرده و با این کار، مسئولیت زیرمجموعه‌های خودشان را سنگین‌تر می‌کند. شهرک تلویزیونی و سینمایی ایران شاید ۶۳ هکتار مساحت داشته باشد، اما بیش از حدود ۲۸۰۰ نفر در طول روز مراجعه‌کننده داریم. انواع برنامه‌های تلویزیونی و سریال‌ها به طور مسالمت‌آمیز در کنار هم مشغول تولید هستند. ما میزبان رویدادهای رومنایی‌ها نیز هستیم و در شهرک از هر اتفاقی که در حیطه فرهنگ و هنر رخ می‌دهد و به نظام جمهوری اسلامی ایران خدمت می‌کند، استقبال می‌کنیم و برایشان فرش قرمز می‌گسترانیم. شهرک در مقایسه با سال قبل مورد استقبال بیشتری قرار گرفته است. در پایان سال ۱۴۰۲ بیش از ۱۱ گروه به طور همزمان در شهرک مشغول فعالیت بودند. این تعداد مربوط به تولیدات تلویزیونی است و ما در مواردی میزبان فیلم‌های سینمایی و محصولات شبکه نمایش خانگی هم بودیم. به عنوان نمونه همین حالا آخرین فیلم بهمین فرمان‌را به نام «چشم‌هایش» در شهرک مراحل تولیدش را طی می‌کند.

پیوند گذشته به رسانه شهر آینده

مرمت‌های شهرک تلویزیونی و سینمایی ایران به کجا رسید؟ سال گذشته بازسازی شهرک به ۷۰درصد رسیده بود؟ آیا اmsال این میزان تغییری پیدا کرده‌اند؟
اکنون تنها فضایی که نیاز به مرمت و نگاه ویژه‌تری دارد، لوکیشن لاله‌زار شهرک است. از سوی دیگر، ما دائم در حال ساخت‌وساز هستیم و مسیرهای عبوری و تجهیزات روشنایی به بازسازی مجدد نیاز دارد. هربار یک سوله با ابعاد بیش از ۲۰۰۰ متر به پنج یا شش سوله جدید در شهرک ساخته می‌شود، بخشی از استودیو تبدیل شده و در همه این استودیوها فعالیت در تکاپو در جریان است و گروه‌های متعددی در این فضا برنامه‌سازی می‌کنند. اکنون می‌توان گفت حدود ۷۰درصد از سوله‌های شهرک به استودیوی برنامه‌سازی تلویزیونی تبدیل شده‌اند و واقعاً کارایی بسیار مفیدی دارند. همچنین برخی از دکورهایی که گروه‌های قبلی ساخته‌اند، مانند دکور برنامه «نوا»، «کوهپایه» و «شفا»... هنوز در این استودیوها وجود دارند و حتی برای برنامه‌های دیگر مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در موقعیت کنونی با عنایت رئیس سازمان و معاونت فنی و مرکز تولید، استودیوهای شهرک از منظر زیرساخت‌های برق و فضاسازی تخصصی نیز

دارند، تا سال آینده در شهرک اتفاقات بسیار خوبی رخ می‌دهد.

آیا تاکنون بودجه مورد نیاز برای بازسازی لاله‌زار بر آورد شده است؟
تا سال گذشته برآورد بازسازی را به دست آورده بودیم، اما باید هزینه‌ها را برای اmsال محاسبه کنیم. ما تا اوایل پاییز سال ۱۴۰۴ این هزینه را در دفترچه خاص تأمین و بازسازی به سازمان صداوسیما ارائه خواهیم داد.

آیا امکان تغییر در دکورها و لوکیشن‌های موجود در شهرک وجود دارد؟ اگر گروهی قصد تغییر در بخش‌هایی از لوکیشن‌ها را داشته باشد، چه الزاماتی را باید رعایت کند؟

برخی دکورهای شهرک تحت عنوان دکور ماندگار، اصالت و هویت خاص خودشان را دارند. گروه‌هایی که براساس ویژگی‌های آن دکور ماندگار تولید می‌شوند، می‌توانند در لوکیشن مربوطه فعالیت داشته باشند و با پوسته تغییراتی در دکور به وجود بیاورند، اما نمی‌توانند با اصل جنس دکور ماندگار، برخورد داشته باشند؛ بنابراین اگر یکی فیلم یا سریال بخواهد در دکور ماندگار تغییر ایجاد کند باید با یک متر فاصله برای خودش پوسته‌ای ایجاد کند و به فضای مورد نظرش شکل بدهد. این سازه‌ها موقتی هستند و باید بدون آسیب به دکور اصلی در محل نصب و بعد از آن

جمع‌آوری شوند. فرض کنید یک مجموعه تلویزیونی به لوکیشن سریال حضرت مریم (س) نیاز دارد، اما می‌خواهد تغییراتی در آن ایجاد کند. در این حالت، گروه صرفاً با ایجاد پوسته و بدون دست بردن به دکور اصلی می‌تواند به تغییرات مورد نظر بپردازد.

فرایند حفظ و نگهداری از سازه‌های ماندگار به چه صورت است؟ آیا بازه زمانی خاصی برای بررسی وضعیت سلامت دکورها تعیین شده است؟
می‌توان گفت کارشناسان فنی شهرک هر روز بازدیدهای ادواری انجام می‌دهند. شهرک، مسئولان مختلفی در حوزه‌های فنی، استودیویی، دکورها و... دارد. این مسئولان روزانه تلاش می‌کنند وضع سازه‌ها و لوکیشن‌ها را ارزیابی کنند. ضمن اینکه متعهد هستیم هیچ‌کدام از گروه‌ها در بخش‌های فیزیکی

به صورت اتفاقی، بی‌دندون هیکاپ و استرید را به مرکز اژدهایان می‌برد و در آنجا می‌بینیم که یک هیولا به‌ویژه بزرگ اژدهایان دیگر را مجبور می‌کند تا به او باج بدهند و با حمله به انسان‌ها، حیوانات را غارت کنند و به این هیولا تحویل دهند. بنابراین مخاطب می‌فهمد که ریشه شرّ را باید در سرزمین اژدها خلیی ناقلی و البته رویکرد خصمانه‌ای اژدهاها به انسان‌ها دارد هم از اساس اشتباه است. بنابراین هیکاپ نه تنها خلاف سنسنت‌های جامعه رفتار می‌کند، که حتی تفکراتش هم از اساس با متونی که در حال تدریس است متفاوت است. البته

به صورت اتفاقی، بی‌دندون هیکاپ و استرید را به مرکز اژدهایان می‌برد و در آنجا می‌بینیم که یک هیولا به‌ویژه بزرگ اژدهایان دیگر را مجبور می‌کند تا به او باج بدهند و با حمله به انسان‌ها، حیوانات را غارت کنند و به این هیولا تحویل دهند. بنابراین مخاطب می‌فهمد که ریشه شرّ را باید در سرزمین اژدها خلیی ناقلی و البته رویکرد خصمانه‌ای اژدهاها به انسان‌ها دارد هم از اساس اشتباه است. بنابراین هیکاپ نه تنها خلاف سنسنت‌های جامعه رفتار می‌کند، که حتی تفکراتش هم از اساس با متونی که در حال تدریس است متفاوت است. البته

همیشه باید منتظر حملات گاه و بی‌گاه اژدهایان بود. در سکانس‌هایی که از پرواز کردن با بی‌دندون می‌بینیم، کاملاً برای مخاطب جا می‌افتد که آن هیولاهایی که به عنوان دشمن می‌شناسیم می‌توانند دوست ما شوند. همان مضمونی که در آثار مختلفی همچون مونا یا کارخونه هیولاهای می‌بینیم. بنابراین ارتباط با موجودات هیولا شکل در این سکانس‌ها در کنار آموزش همان استراتژی جذب دشمن، ترویج می‌شود.

۷. اختلاف با پدر
پدر هیکاپ در فینال مبارزات با اژدها، می‌گوید او یک فرهنگ‌شمار بود با مضمون دوستی با هیولاهای که در تفکرات یهودی و کلیسایی نیز ترویج می‌شود، کاملاً با این محور سازگار است.

محور دوم هم نجات جنگی و نظامی است. هیکاپ دغدغه‌های نجات و مبارزه و وایکینگ و نابودی دشمن است. اما با ساختار شکنی و ایجاد تحول در کترین آموزشی با رویکردی فردگرایانه، باعث می‌شود دکتربین نظامی جدید و کارآمدتری را معرفی کند. در پایان می‌بینیم که هیکاپ در نابودی دشمن با پدرش هم‌نظر است، اما بایستی ساختار سنتی به هم بخورد؛ در کنار این دو مضمون اصلی که اولی برآمده از تفکر یهودی و مضمونی نادرست است و دومی مضمونی جدید است که می‌تواند به خلاقیت و البته روحیه مقاومت مخاطب کمک کند.

محور دوم هم نجات جنگی و نظامی است. هیکاپ دغدغه‌های نجات و مبارزه و وایکینگ و نابودی دشمن است. اما با ساختار شکنی و ایجاد تحول در کترین آموزشی با رویکردی فردگرایانه، باعث می‌شود دکتربین نظامی جدید و کارآمدتری را معرفی کند. در پایان می‌بینیم که هیکاپ در نابودی دشمن با پدرش هم‌نظر است، اما بایستی ساختار سنتی به هم بخورد؛ در کنار این دو مضمون اصلی که اولی برآمده از تفکر یهودی و مضمونی نادرست است و دومی مضمونی جدید است که می‌تواند به خلاقیت و البته روحیه مقاومت مخاطب کمک کند.

استرید البته از قبل با هیکاپ حس رقابت داشت، و البته می‌بیند این گونه دشمن را منبع خودش به نوجوان آموزش داده می‌شود که اگر نیاز عده‌ای را به صورت مستمر برطرف کنی، حتی اگر دشمنت باشد، با تو هم‌پیمان خواهد شد.

۵. تحول در سیستم آموزش
گفتیم که هیکاپ در حال یادگیری مبارزه در سیستم آموزشی وایکینگ‌ها است. اما به دلیل

رفتات با بی‌دندون، کم‌کم روش تعامل با دشمن را یاد گرفته و به جای مبارزه با آن‌ها، اژدهایان درون رینگ را با ترغندهایی رام می‌کند. همچنین وقتی نوبت به کتاب خواندن می‌رسد، تنها کسی که کتاب را می‌خواند هیکاپ است. وقتی هیکاپ کتاب را می‌خواند می‌فهمد که این منبع برای شناخت اژدها خیلی ناقلی و البته رویکرد خصمانه‌ای است که به اژدهایان دارد هم از اساس اشتباه است. بنابراین هیکاپ نه تنها خلاف سنسنت‌های جامعه رفتار می‌کند، که حتی تفکراتش هم از اساس با متونی که در حال تدریس است متفاوت است. البته



هیکاپ شخصیتی عادی نیست. او نابغه مهندسی است که در نوجوانی می‌تواند برای اژدها بال طراحی کند. یعنی می‌بینیم که هیکاپ یک کودک کامل برای نوجوانانی است که قوه بدنی زیادی ندارند اما می‌توانند با فکرشان تحول ایجاد کنند. اما از این مضمون در راستای تخریب سنت‌های خانوادگی و اجتماعی استفاده می‌شود. هیکاپ نوجوانی نخیه است که کل سیستم آموزشی موجود در قبیله و مهم‌ترین استراتژی‌های نظامی را با تعامل با دشمن زیر سؤال می‌برد. همزمان می‌بینیم که پدرش هم در مبارزه با اژدهایان شکست می‌خورد. پس تفکر هیکاپ برای مخاطب جذاب‌تر و مفیدتر جلوه می‌کند.

۶. رقیبی که تبدیل به رفیق می‌شود
استرید هیکاپ را در جنگل پیدا می‌کند و می‌فهمد که او با یک اژدها که بزرگ‌ترین دشمن و وایکینگ‌ها است رفیق شد. هیکاپ برای اینکه نظر استرید را بر گرداند، او را سوار بر اژدها می‌کند و با هم در آسمان پرواز می‌کنند. یعنی به معنای واقعی هیکاپ از دشمن سواری می‌گیرد و زمانی استرید حرف هیکاپ را می‌پذیرد که لذت سواری گرفتن از دشمن را بچشد.

انیمیشن چگونه اژدهای خود را تربیت کنیم یک، محصول کمپانی دریم ورکس(متعلق به کمپانی یونیورسال از کمپانی‌های اختاپوسی) است. این انیمیشن با بودجه صد و پنجاه میلیون دلاری، توانست حدود شصصد میلیون دلار بفروشد که موفقیت چشمگیری است.

همچنین نمره هردمی به این انیمیشن بر اساس سایت آیم دی بی ۸.۱ است که نمره بالایی به حساب می‌آید.

ژانر این انیمیشن شامل درام، فانتزی، اکشن جنگی و سبک زندگی است.

در ادامه محصول نقدی که با روش فنی حکمی داشته‌ایم را تقدیم می‌کنیم.

۱. حمله اژدها
در ابتدای نقد انیمیشن چگونه اژدهای خود را تربیت کنیم، به سراغ سکانس اول می‌رویم. در این سکانس می‌بینیم که چندین اژدها به یک روستا حمله می‌کنند، گوسفندان را می‌دزدند و خانه‌ها را به آتش می‌کشند. مردم روستا هم وایکینگ هستند و در حال مبارزه سفت و سخت با اژدها. در این سکانس انواع و اقسام اژدهایان معرفی شده و هر کدام با خطری که برای انسان‌ها ایجاد می‌کند برای مخاطب شناخته می‌شود. سپس هیکاپ، قهرمان داستان را می‌بینیم که علی‌رغم وایکینگ‌های عادی درون فیلم که بدنی بزرگ و تنومند دارند، ریزنقش است. البته در مبارزه با اژدها هم توفیق خاصی ندارد و حتی یک دختر بهتر از او مبارزه می‌کند. تا اینکه هیکاپ برای اخلاصی مثل یک منتخچ را آماده کرده، به بیرون می‌برد و با همین ابزار پیچیده، تیزترین و سریع‌ترین اژدها که بی‌دندان باشد را روی آسمان می‌زند و گیر می‌اندازد. اما مردم به دلیل شناختی که از اینکه هیکاپ دارد، حرف او را جدی نمی‌گیرند. هیکاپ پسر رئیس قبیله است، اما در مبارزه با اژدها خیلی دست و پا چلفتی است. تضاد بین پدر و پسرش از همین ابتدا شروع می‌شود. پدری که به دنبال نابودی تمام اژدهایان است و پسری که از عهده نابودی یک اژدها هم برنمی‌آید. در این سکانس ما با شخصیت‌های مختلفی انیمیشن از جمله هیکاپ، پدرش دسته‌های مختلفی از اژدها استرید(دختری که مبارز است) و جوانان دیگر آشنا می‌شویم. همچنین دشمنی اژدها با وایکینگ‌ها کامل در ذهن ما کاشته می‌شود و باور می‌کنیم که باید این موجودات خبیث را نابود کرد. وقتی جلوتر لنح فیلم عوض می‌شود، مخاطب غافلگیر می‌شود که از جذابیت‌های این انیمیشن است.

از طرفی تضاد بین هیکاپ و پدرش، نیاز درونی هیکاپ را به نمایش می‌دهد. یعنی می‌بینیم که هیکاپ و پدرش این شخصیت چه ضعیی دارد و طبیعتاً هدفش هم برطرف کردن همین ضعف است، پس بهتر با او همراه می‌شود.

۲. دغدغه‌های پدرانه

هیکاپ در انیمیشن «چگونه اژدهای خود را تربیت کنیم» بارها با بزرگ‌تر از خودش که پدر و مربی‌اش باشد گفت‌وگو می‌کند. در این گفت‌وگوها تضاد بین هیکاپ و پدرش روشن می‌شود. اما انیمیشن



تحلیل پویانمایی «چگونه اژدهای خود را تربیت کنیم»

اتحاد با هیولاها

مسیح عرفان

است. افق دیدی که پدر برای هیکاپ در نظر گرفته هیچ شباهتی با خواسته‌ها و البته توانایی‌های هیکاپ ندارد.

اشکال این سکانس این نیست که پدر از هیکاپ توقع بیجا دارد، اشکال این است که نشان می‌دهد بنابراین فیلم با تروسم پیچیدگی‌های روابط خانوادگی، سعی می‌کند مخاطب نوجوان را جذب خودش کند و دغدغه‌هایی از جنس نوجوانی را به تصویر می‌کشد. اما رویکردی خصمانه به خانواده

و خیر و صلاح هیکاپ هستند. پس خانواده در این سکانس‌ها محور است که مضمون خوبی است. این سکانس مقدمه سکانس‌های بعدی است که ضد خانواده محتوا ایجاد می‌شود. البته اثر مخاطب را در فضایی خانوادگی قرار می‌دهد.

۳. تضاد هویتی هیکاپ
هیکاپ در جنگل، بی‌دندون را پیدا می‌کند و مثل یک وایکینگ خنجر به دست می‌گیرد تا او را بکشد. اما نمی‌تواند و خنجر را به کتاری پرتاب می‌کند. یعنی تمام تربیت خانوادگی و هویت وایکینگى او که باید در مبارزه با اژدها نمود پیدا کند، با تمایل درونی هیکاپ در تضاد قرار می‌گیرد و هیکاپ آنچه را که دوست دارد و دلش می‌خواهد را انتخاب می‌کند. البته نوع قاب‌بندی فیلمساز هم به گونه‌ای است که ما هم مثل هیکاپ دلمان برای اژدها بسوزد و از اینکه اژدها ان نمی‌کشد شوحال شویم. این‌جا اولین سکانس از محتوای اصلی فیلم مشخص می‌شود. درون‌مایه اصلی انیمیشن چگونه اژدهای خود را تربیت کنیم، سنت‌شکنی و رفتار خلاف عرف توسط سنبل جدید است. هیکاپ در تعارض بین ارزش‌های قومی – ملی با خواسته شخصی‌اش به شکلی فردگرایانه و لیبرال، آنچه دلش می‌خواهد را انتخاب می‌کند و مخاطب هم با او همراه است.

سپس هیکاپ به خانه می‌رود و با پدرش گفت‌وگو می‌کند. در این سکانس می‌بینیم که هیکاپ و پدرش اساساً در دو جهان فکری متفاوت به سر می‌برند و علاوه بر فیزیک این دو نفر که دقیقاً متضاد همدیگر